

مسجد ضرار فرهنگی

مهدی تقی‌خانی (کارشناس علوم سیاسی)

موضوع این نوشته، مسجد ضرار است، که یکی از آسیب‌زننده‌ترین چیزهایی است که بی‌سر و صدا فرهنگ ما را به سختی در هم می‌کوبد.

«مسجد ضرار» چیست؟

در زمان پیامبر اکرم (ص) گروهی از بنی‌عمرو بن عوف برای برگزاری نماز جماعت مسجدی بنا نمودند، تا در آن فریضه الهی را به‌پا داشته و بتوانند به این وسیله فرمان خداوند عالم را به‌پا دارند، و درفش وحدانیت و الوهیت خداوند را بالا ببرند. آنها پس از ساختن این مسجد «مسجد قبا» از پیامبر خواستند تا برای افتتاح در آن نمازی به‌پا دارند و پیامبر نیز خواسته آنها را اجابت نمودند. اما کارگروهی از مردم بنی‌غنم بن عوف بر قبیله بنی‌عمرو بن عوف حسد برده و تصمیم گرفتند مسجدی دیگر بنا نموده، رونق مسجد قبا را از بین ببرند و در میان صفوف مسلمین تفرقه بیندازند؛ بنابراین از پیامبر خواستند تا در آن نماز بخواند. پیامبر (ص) که عازم غزوه تبوک بودند قول نمازگزاردن را پس از بازگشت از غزوه به آنها دادند. در این بین خداوند پیامبر را از نیت آنها آگاه نمود. کارگروه بنی‌غنم بن عوف در این مسجد جمع شده بودند تا وحدت کلمه را در میان مسلمین از بین ببرند. این گروه می‌خواستند، تا با کمک ابی‌عامر راهب که از مسیحیان و محاربان بود؛ زمام قدرت را از دست پیامبر خارج نموده و ایشان را نابود کنند. خداوند متعال پیامبرش را از این موضوع آگاه کرد و به او فرمود: «اگر از آنها سؤال هم بکنی که چرا چنین کاری کردید، قسم یاد خواهند کرد، که قصد آنها از بنای این مسجد خیر بوده است». پیامبر اکرم (ص) پس از بازگشت از غزوه تبوک دستور دادند که این مسجد سوزانده شود، و جای آن تبدیل به زباله‌دان شود.

چرا "مسجد ضرار" ضرار شد؟

مهم‌ترین مؤلفه‌ای که در مسجد ضرار وجود داشت و باعث شد پیامبر خدا این دستور را بدهند؛ این بود که، مسجد ضرار از ظواهر شریعت به سود منافع غیردینی و غیرشرعی استفاده می‌کرد. به بیانی دیگر در پوشش تدین و حق‌جویی به انجام کارهای ضد دین و ضد ارزش می‌پرداخت؛ به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) دستور داد تا این مسجد به آتش کشیده شود.

نکته مهم داستان این است که؛ اگر مقدس‌ترین افراد، مقدس‌ترین مکان‌ها و مقدس‌ترین عناوین برای سوء استفاده از احساسات و عواطف مذهبی به کار گرفته شود حتی اگر در بالاترین درجه تقدس هم باشد باید به آتش کشیده شود. مسجد ضرار نماد یک حرکت ظاهرگرایی است که هیچ‌گونه توجهی به روحانیت‌های باطنی و ابعاد درونی آن نشده است. اسلام شدیداً با چنین اقداماتی مخالف است و یک حرکت دین‌مدار را حرکتی واجد **صلاحیت‌های درونی و روحی می‌داند**. نمونه

آن، آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا زَيِّنْكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» است؛ خداوند در این آیه افراد را به دور کردن آلودگی‌های روحی فرمان می‌دهد.

اما نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که، در جامعه ما اقدامات بسیاری به نام دین و با ظاهر اسلامی و شیعی صورت می‌گیرد، که به جذب جوانان و نوجوانان در مساجد می‌پردازند. فرد آگاه و مطلع با توجه به شرایط زمانی و مکانی باید تشخیص دهد که در هر برهه کدام حرکت با چه مشخصه‌هایی مصداق مسجد ضرار بوده و باید تحریم گردد. برخورد منافقانه با مسائل و قرار دادن آنها در لباس دین و حق‌جویی هر چه باشد و در هر درجه از تقدس که باشد مصداق بارز مسجد ضرار است.

در هر جامعه‌ای که بستر رشد فعالیت‌های فرهنگی دین‌گرا فراهم باشد، ناچار جنبش‌های ضد دینی نیز در پوشش دین به فعالیت‌های ضد ارزشی خود دست خواهند زد؛ این برخوردهای منافقانه که تهی از صداقت، مطابقت گفتار و اندیشه است در همه دوره‌ها، بعضی اوقات در موضع ضعف و بعضی اوقات در موضع قدرت وجود داشته است. باید مراقب بود که مساجد ضرار با برخوردهای منافقانه و پوشش‌های رنگین دین مدار باعث فریب جوانان ما نشود.

فرهنگی، بیدار و بیدار کننده است که، برخاسته از جان معارف راستین دین منبع باشد. اگر قرار باشد مفاهیم و محتوای نادرست در لباسی آراسته و زیبا به جامعه تزریق شود پس از مدتی فرهنگ جامعه به جای بیداری دچار بیماری می‌شود. این رفتارهای منافقانه در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی ممکن است رخ بدهد؛ گاهی اقتصاد، گاهی سیاست، و گاهی هم فرهنگ. اما مهم آن است که مؤمن ارزش‌های اصیل اسلام را درک کرده و در مسیر آرمان‌های این دین مبین حرکت نماید. تا بتواند در هر زمان، مسجد ضرار و اهالی آن را تشخیص بدهد.

یک جامعه وقتی می‌تواند ادعای اسلامی بودن کند که فرهنگش بیدار و هوشیار باشد. فرهنگ منافقانه نمی‌تواند جامعه را سعادت‌مند کند. دقت نظر در داستان مسجد قبا و مسجد ضرار و همچنین تطبیق اجمالی آن با جنبش‌های ضراری طول تاریخ نشان می‌دهد؛ زمانی یک جامعه می‌تواند به درستی در مقابل جنبش‌های منافقانه و مساجد ضرار بایستد که گوش به فرمان پیامبر و یا نواب او باشد.